عقده‌گشایی آتزوری در برگامو

چشم ایتالیا به گتوزوست

گزارش یک
شیوا نوروزی

بازگشت به روزهای اوج و پیوستن به جمع تیم‌های مدعی جهان، آرزوی همه ایتالیایی‌هاست و با نشستن جنارو گتوزو روی نیمکت تیم‌ملی، همه به تحقق این رؤیا امیدوار شده‌اند.

گلباران استونی در ورزشگاه گویس برگامو، خون تازه‌ای به رگ‌های فوتبال ملی ایتالیا تزریق کرد. لاجوردی‌پوشان در سومین دیدار خود در چارچوب انتخابی جام‌جهانی ۲۰۲۶ میزبانی استونی بودند و با زدن پنج گل به این تیم حسابی عقده‌گشایی کردند. این نخستین برد ایتالیایی‌ها با هدایت گتوزو بود.

■ امیدوار به آینده

غیبت در دو دوره متوالی جام‌جهانی و نتایج ضعیف در رقابت‌های اروپایی، سال‌هاست تیم‌ملی ایتالیا را از اوج دور کرده. دیگر نه تنها آتزوری جزو مدعیان محسوب نمی‌شود بلکه حتی تیم‌های درجه ۲ و ۳ قاره‌سبز نیز با کمی انگیزه و دقت به راحتی می‌توانند یک برد از ایتالیا بگیرند. در مقدماتی جام ۲۰۲۶ نیز این فاجعه با شکست ناباورانه ۳ بر صفر مقابل نروژ ادامه یافت و حتی برد ۲ بر صفر خانگی برابر مولداوی هم نتوانست داغش را سرد کند. بر کناری اسپالتی تصمیمی بود که همه ایتالیایی‌ها منتظرش بودند و البته سپردن نیمکت به گتوزو نیز جسارت زیادی می‌خواست. سرمربی سابق والنسیا و میلان، حالا بزرگ‌ترین مسئولیت عمر دوران مربیگری‌اش را پذیرفته است و با آتش‌بازی‌ای که شاگردانش در برگامو به راه انداختند، امید را به فوتبال ایتالیا بازگردانده است، البته گرفتن سهمیه جام‌جهانی هنوز هم برای ایتالیا کار سختی است چراکه نروژ با ۱۲ امتیاز صدرنشینی را در اختیار دارد و حتی تیم رژیم اشغالگر قدس هم با ۹ امتیاز بالای سر ایتالیای ۶ امتیازی است. تنها صدرنشین‌های گروه‌های دوازده‌گانه مستقیماً جواز صعود خواهند گرفت و تیم‌های دوم باید در پلی‌آف به رقابت ادامه دهند.

■ تصمیمات درست

سرمربی جدید برای آنکه ثابت کند لیاقت اینکه مرد اول نیمکت تیم کشورش باشد را دارد، از همان ابتدا تصمیمات درستی گرفت. در انتخاب نفرات، گتوزو تلاش کرد ترکیبی از جوانان و باتجربه‌ها را در تیمش داشته باشد تا همزمان از ظرفیت بهترین‌ها استفاده کند و دستش برای اعمال تغییر در ترکیب تیم باز باشد. نیکولو بارلا، هافبک ایتالیا قبل از جدال با استونی از شرایط سخت دوران مانچینی و اسپالتی گفت و اینکه تا پیش از آمدن گتوزو تیم با چالش‌های زیادی مواجه بود.

عملکرد تیم در مصاف با استونی نشان داد اعتمادبه‌نفس، انگیزه و روحیه جنگندگی دوباره به تیم بازگشته بود. در نیمه‌اول اگرچه ایتالیا موفق به باز کردن دروازه حریف نشد اما ثبت ۱۷ شوت میل بازیکنان برای گلزنی را به همه نشان داد. طوفان اصلی در نیمه‌دوم شروع شد؛ گل اول را کین به ثمر رساند و پس از آن گتوزو دو تعویض در دقیقه ۶۷ انجام داد و کامبیاسو و راسپادوری وارد زمین شدند. در دقیقه ۷۶ هم لوکاتلی و اوروسولینی به میدان آمدند. راسپادوری دو پاس گل داد و یک گل زد و کامبیاسو هم یک پاس گل برای متئو تگی (گل چهارم) ارسال کرد. عملکرد درخشان تعویضی‌ها نشان می‌دهد سرمربی جدید حتی برای استفاده از بازیکنان ذخیره هم برنامه ویژه‌ای دارد.

■ نیاز به تغییرات

سرمربی تیم‌ملی ایتالیا در پایان بازی از شاگردانش تشکر کرد: «باید از بازیکنان به‌خاطر عملکردشان تشکر کنیم. در نیمه اول فقط گل کم داشتیم، اما بازی خوبی انجام دادند. جو ورزشگاه را خیلی دوست داشتم. بازی اول تمام شد و حالا دیدار بسیار دشوار دیگری پیش‌روی ماست. به بازیکنانم بابت عملکرد تبریک می‌گویم و حالا باید روی بازی بعدی تمرکز کنیم. می‌دانستیم باید چیزی را در اختیار استونی قرار دهیم. آنها را با آرایش سه‌نفره در خط دفاع و مدافعان کناری نفوذی در زمین خودشان نگه داشتیم. این گونه آماده شده بودیم، اما مشخص است وقتی سطح مسابقات بالاتر برود، باید تغییراتی ایجاد کنیم، وگرنه بیش از حد در معرض خطر قرار می‌گیریم، اما مقابل تیمی که اندکی ضعیف‌تر بود، باید در حمله چیز بیشتری ارائه دهیم.»

گتوزو بازگشت روحیه به تیم‌ملی را بزرگ‌ترین نیاز ایتالیا خواند: «با دو مهاجم بازی کردیم و انتظار چند ضدحمله را داشتیم. این سبک بازی ریسک‌هایی دارد، اما مقابل تیمی که نفرات کمتری نسبت به ما داشت، درست بود که هجومی بازی کنیم. خیلی خوشحالم، اما هنوز باید برخی تغییرات را انجام دهیم. پنج گل زده در این بازی مهم نبود، بلکه روحیه‌ای که از تیم دیدم اهمیت داشت. هر چه دقایق بیشتری می‌گذشت، ممکن بود تنش حاکم بر بازی بر ما غلبه کند، اما این اتفاق نیفتاد. باید همین مسیر را ادامه دهیم. اولین کسی هستم که فشار را حس می‌کنم و بازیکنان هم همین‌طور، چون در دو تورنمنت اخیر ضربات بزرگی خورده‌ایم. هدف ما این است که مردم را خوشحال کنیم و دوباره شور و اشتیاق را به ایتالیایی‌ها بازگردانیم. تیمی را می‌پسندم که حتی وقتی اشتباه می‌کند، بجنگد و برای هر توپ بدود. باید ریکاوری کنیم. می‌خواهم تیمی داشته باشم که از همین حالا به خودش فشار بیاورد. برای قهرمان شدن، تنها کیفیت کافی نیست، بلکه به روحیه تیمی قوی هم نیاز داریم. باید بیشتر تلاش کنیم، بیشتر حرف بزنیم. به این موضوع ایمان دارم، فقط داشتن بازیکنان باکیفیت کافی نیست. باید اشتیاق به کسب نتیجه داشته باشیم و توانایی این را داشته باشیم که در لحظاتی از مسابقه ضربه هم بخوریم. ما زمانی استاد این کار بودیم و باید دوباره این روحیه را به دست بیاوریم.»

چهره‌ها

«دوچرخه‌سواری» بلای جان انریکه

اشرف رامین

سرمربی پاریسن‌ژرمن سختگیری‌های خاصی دارد. به همان اندازه که به شاگردانش سخت می‌گیرد، برای خودش نیز استثنا قائل نمی‌شود. لوئیز انریکه هر روز باید تمرینات ورزشی و آمادگی جسمانی‌اش را سر موقع انجام دهد و دوچرخه‌سواری نیز سال‌هاست جزو روتین زندگی‌اش محسوب می‌شود. انریکه روز جمعه طبق روال همیشه ورزش کرد و سوار بر دوچرخه تمرکزش روی حفظ آمادگی جسمانی‌اش بود که متأسفانه دچار یک سانحه شد. سرمربی اسپانیایی در مسیر از روی دوچرخه به زمین افتاده و دستش حسابی آسیب دیده است. بنا بر اعلام رسانه‌ها انرکیه از ناحیه ترقوه دچار شکستگی شده و آسیبش به حدی بوده که با آمبولانس به بیمارستان اعزام شده است. گویا نیروهای امدادی ابتدا او را به دفتر باشگاه رسانده‌اند و انریکه به همراه پزشک تیم عازم بیمارستان شده است. شدت حادثه و البته شرایط حضور مربی ۵۵ساله روی نیمکت تیم باعث شد باشگاه فرانسوی در این خصوص بیانیه‌ای صادر کند: «در پی حادثه دوچرخه‌سواری لوئیز انریکه، سرمربی تیم از سوی نیروهای امدادی تحت درمان قرار گرفت و به دلیل شکستگی ترقوه تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد. باشگاه ضمن حمایت کامل از او، برای وی آرزوی بهبودی سریع دارد. اطلاعات تکمیلی در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.» پاریسی‌ها فصل گذشته با درخشش فراوان به پایان رساندند. قهرمانی اروپا و پایان بخشیدن به حسرت هواداران از مهم‌ترین دستاوردهای تیم لوئیز انریکه بود. این تیم قبل از شروع این فصل هم تاتنهام را برد و قهرمان سوپرکاپ شد. سه برد متوالی در لوشامپیونه نوید یک فصل رؤیایی دیگر را می‌داد اما در روزهای تعطیلی لیگ‌های اروپایی به دلیل بازی‌های ملی، مصدومیت شدید انریکه تیم را با چالشی جدید و عجیب مواجه ساخته است. باتوجه به جدی بودن آسیب و دوران نقاهت پس از جراحی، معلوم نیست انریکه هفته آینده در جدال خانگی تیمش با لانس روی نیمکت خواهد نشست یا نه.

محرومیت سنگین برای سوارز

شمیم رضوان

سوارز گویی قصدی برای ترک رفتار غیرمتعارفش ندارد. سال‌های سال فوتبال دنیا او را نه به واسطه بازی‌های خوبش که به واسطه حملات عجیب و غریبش به بازیکنان حریف می‌شناخت؛ دندان‌هایی که هر از چندگاهی جای آن بر بدن بازیکنان تیم‌های دیگر حک می‌شد تا محرومیتی جدید برایش بریده شود، اما هیچ یک از برخوردها او را ناچار به ترک این عادت زشت نکرد. باوجود این تصور می‌شد سپری کردن سال‌های آخر فوتبالش در اینترمیامی این اخلاق او را تغییر دهد، خصوصاً که مدتی بود خبری از گازگرفتن‌هایش، رسانه‌های دنیا را به واکنش مجبور نمی‌کرد، اما این بار، او روشی متفاوت برای خالی کردن عصبانیتش حین بازی در پیش گرفته که اتفاقاً این یکی هم با محرومیتی سنگین مواجه شده است؛ محرومیتی که باید دید می‌تواند او را به ترک رفتار نامتعارفش مجبور کند یا نه؟ ماجرا به شکست غیرمنتظره (۳ برصفر) اینترمیامی مقابل سیاتل ساوندرز در فینال لیگ کاپ ۲۰۲۵ برمی‌گردد که درست بعد از به صدا درآمدن سوت پایان بازی بازیکنان دو تیم وارد میدان شدند و همه چیز از کنترل خارج شد، به طوری که برخی در حال مشت‌زنی به یکدیگر بودند و برخی دیگر در حال خفه کردن بازیکن حریف! نزاعی که پای کادرفنی و حتی بازیکنان باتجربه میامی (سوارز، آلبا و بوسکتس) را هم به میان کشید و در عین ناباوری سوارز در این درگیری به سمت یکی از اعضای کادرفنی سیاتل آب دهان پرتاب کرد؛ رفتاری ناشایست که کمیته انضباطی رقابت‌های لیگز کاپ را بر آن داشت محرومیتی سنگینی برای این بازیکن اروگوئه‌ای در نظر بگیرد. رفتار زشت سوارز باعث شد او شش بازی از همراهی اینترمیامی محروم شود اما محرومیت او فقط در بازی‌های لیگ کاپ کونکاکاف خواهد بود و سوارز می‌تواند تیمش را در لیگ امریکا همراهی کند. باید دید او که با ۱۰ جلسه محرومیت بابت گاز گرفتن برانیسلاو ایوانوویچ در لیگ برتر انگلیس (۲۰۱۳) و ۹ جلسه محرومیت بابت گاز گرفتن جورجو کیه‌لینی (۲۰۱۴) ترک عادت نکرده بود، با این شش جلسه محرومیت متنبه می‌شود؟

خیز ستاره فرانسه برای رکورد بعدی

امباپه شانه به شانه تیری آنری

گزارش ۲
دنیا حیدری

گلزنی امباپه، ستاره رئال مادرید که در نخستین فصل حضورش در جمع کهکشانی‌ها عنوان پیچیچی لالیگا و همچنین کفش طلای اروپا را به دست آورد، دیگر اتفاق تازه‌ای نیست، حتی اگر به برتری ۲ بر صفر فرانسه در نخستین دیدار مرحله انتخابی جام‌جهانی برابر اوکراین منجر شود، مگر آنکه همچون دیدار رده‌بندی لیگ ملت‌های یوفا مقابل آلمان او را به واسطه پنجاهمین گلی که در نودمین بازی ملی خود برای خروس‌ها زده بود به سریع‌ترین بازیکن فرانسه تبدیل کرده یا در پی گلزنی به اوکراین، همتراز با رکورد تیری آنری کند.

گلزنی امباپه برای خروس‌ها به یک عادت و روتین تبدیل شده است، با وجود این اما گلزنی او اخیراً هربار با رکورد و داستانی تازه همراه است که باعث شده مدام در صدر اخبار باشد، خصوصاً حالا که با به ثمر رساندن پنجاه‌ویکمین گل و رسیدن به رکورد تیری آنری، برای رسیدن به رکورد اولیویه ژیرو خیز برداشته و باتوجه به سن و سال کمی که دارد (۲۶سال) بعید نیست به زودی بهترین گلزن تاریخ فوتبال فرانسه با ۵۷گل را هم از صدر جدول بهترین گلزنان این کشور به زیر بکشد، خصوصاً که ژیرو در ۱۳۷بازی موفق به زدن ۵۷گل شد، همانطور که تیری آنری در ۱۲۳بازی ۵۱بار گلزنی کرد اما آنری در نودویکمین بازی خود برای تیم ملی فوتبال فرانسه بود که به آنری رسید و بی‌تردید با ادامه این روند طولی نخواهد کشید که صدر جدول بهترین گلزنان خروس‌ها را به خود اختصاص خواهد داد، خصوصاً که در اوج دوران فوتبالی خود به سر می‌برد و باتوجه به جایگاه و ثباتی که در تیم ملی فرانسه دارد، روزها و آینده روشنی برای او در جمع شاگردان دیدیه دشان می‌توان متصور بود، خصوصاً که او این فصل برای رئال هم تاکنون (در سه بازی) پنج گل به ثمر رسانده که تنها سه گل قبول شده و دو گل دیگر مردود، اما همین مسئله نشان از آمادگی او و خیزش برای تکیه زدن بر صدر جدول بهترین گلزنان فرانسه دارد. در واقع امباپه شنبه شب این امید را برای هوادارانش به وجود آورد. درست وقتی چراغ‌های ورزشگاه تارچینسکی آره‌نا در وروتسواف لهستان روشن شد و فرانسه شادمان از شروعی پرقدرت در انتخابی جام‌جهانی. برتری مقابل اوکراین یک تیر با دو نشان بود؛ آغاز فصلی تازه برای خروس‌ها و سیطره امباپه بر رکوردها؛ امباپه‌ای که در مصاف با اوکراین، تبدیل به پلی میان نسل‌ها شد؛ پلی از دوران شکوه هانری تا آینده‌ای روشن برای رسیدن به اولیویه ژیروای که سال‌های سال رکوردش دست‌نیافتنی بود، آنقدر که حتی دست آنری هم به آن نرسید، اما امروز دیگر آنقدرها هم دست‌نیافتنی نیست. امروز که امباپه در نودویکمین بازی خود می‌تواند به تیری هانری برسد که در ۱۲۳بازی خود برای خروس‌ها ۵۱گل ملی به ثمر رسانده بود.

همین مسئله است که برتری فرانسه مقابل اوکراین را به بردی فراتر از اعداد تبدیل می‌کند. امباپه با سرعتی چشمگیر در حال شکستن رکوردهای تاریخی فوتبال فرانسه است. رسیدن او به این آمار، آن هم در چنین سن و سالی، نشان از توانایی خارق‌العاده، ثبات درخشان و صد البته تکنیک‌های فردی او دارد که توانسته است خود را به خروس‌ها تحمیل و جایگاهش را در این تیم برای ادامه روندی که در پیش گرفته است محکم و قطعی کند. او نه فقط یک مهاجم گلزن که نمادی از نسل جدید فوتبال فرانسه است که توانسته خود را به جایگاه و رکورد تیری آنری برساند؛ مهاجم پرافتخار فرانسوی‌ها و یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تاریخ فوتبال دنیا و همین مسئله است که موفقیت امباپه را چند برابر می‌کند چراکه آنری طی سال‌ها حضورش در جمع خروس‌ها بارها به عنوان ناجی فرانسه ظاهر شد و نقش بزرگی در افتخارات این تیم ایفا کرد و حالا جوانی ۲۶ساله خود را به او رسانده است.

نیشگون

مدیر باش، هر کاری خواستی بکن

فریدون حسن

مدیریت در فوتبال ایران داستان عجیبی است، به خصوص اگر پای باشگاه در میان باشد. باشگاه فوتبال در ایران جایی است که مدیران حتی آنهایی که سابقه لگد زدن به توپ هم ندارند، می‌توانند در آن حاضر شوند و هر کاری که دل‌شان خواست انجام دهند، بدون اینکه نگران پاسخگویی باشند.

مثلاً مدیران باشگاه‌ها می‌توانند ادعاهای آنچنانی کنند حالا هر چه باشگاه بزرگ‌تر و نامدارتر باشد، ادعا هم بزرگ‌تر می‌شود. کسی هم نمی‌پرسد که این ادعا از کجا می‌آید و اصلاً واقعیت دارد یا نه. تاریخ فوتبال باشگاهی ایران را که نگاه کنید، به خصوص در یکی دو دهه اخیر تا دل‌تان بخواهد از این ادعاها خواهید دید؛ ادعاهایی بدون پشتوانه مالی پایدار که در نهایت به بدهی‌های کلان و مشکلات حقوقی منجر شده‌اند؛ ادعاهایی که نه تنها ثمری نداشته‌اند بلکه باعث تاراج بیت‌المال و پول مردم شده‌اند. این روزها علی تاجرنیا، سرپرست مدیر عاملی استقلال درست در همین مسیر قرار دارد. تاجرنیا در ابتدای کار آدم‌های سیاسی نزدیک به جناح مورد علاقه خودش را در استقلال به کار گرفت؛ آدم‌هایی که هیچ سابقه ورزشی ندارند و صرفاً سیاسی هستند اما به هر حال رفیق گرمابه و گلستان جناب سرپرست هستند؛ آدم‌هایی که بعضاً مثل خود جناب تاجرنیا سابقه بازداشت هم دارند، آن هم به دلیل آنچه از دید آنها مبارزه برای آزادی عنوان شده است. بگذریم، استقلال این روزها از صدقه‌سری حضور تاجرنیا حیاط خلوت این چهره‌ها شده است و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار تیم بزرگ پایتخت با این آدم‌های غیرورزشی است.

اقدام قابل تأمل دیگر سرپرست مجازی‌باز استقلال اما اقدامات شعاری و هزینه‌ساز برای استقلال است؛ اقداماتی که هیچ کدام از آنها شفاف‌سازی نشده است، از جمله خرید سه کشتی به نام استقلال؛ ادعایی که با واکنش رسانه‌ها همراه بود تا جایی که خبرگزاری میزان در خصوص اقدامات تاجرنیا نوشت: «استراتژی مالی فعلی باشگاه استقلال تحت مدیریت علی تاجرنیا، با اتکا بر بودجه‌های نفتی و بدون ایجاد منابع درآمدی پایدار، با ریسک‌های جدی مواجه است. ادعای خرید سه کشتی برای تأمین درآمدهای باشگاه فاقد مستندات قابل‌اعتماد است و به نظر می‌رسد بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا واقعیت مالی. تجربه تاریخی پرسپولیس نشان می‌دهد چنین رویکردهایی می‌تواند به مشکلات مالی و انضباطی بلندمدت منجر شود. برای جلوگیری از تکرار این سناریو، استقلال نیازمند شفافیت مالی، ارائه مستندات معتبر و تدوین استراتژی درآمدی پایدار است که فراتر از اتکا بر بودجه‌های دولتی باشد.»

حاشیه

حامد قهرمانی

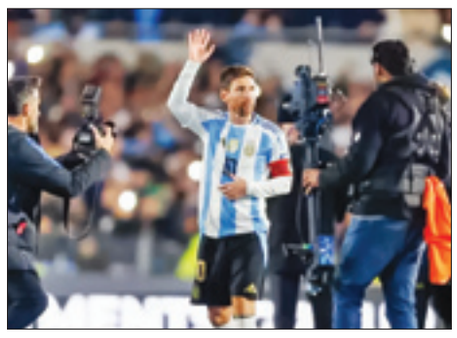

از مسی آنها تا تاریخ مصرف گذشته‌های ما

وقتی سند تیم ملی را به نام عده‌ای زده‌اند

بامداد جمعه نگاه کل علاقه‌مندان فوتبال به ورزشگاه مونومنتال در آرژانتین بود؛ جایی که لیونل مسی آخرین بازی ملی خود در خاک کشورش بوده اما مسی چیز دیگری گفت. فوق ستاره حرفی زد که همه را در بهت و حیرت فرو برد.

مسی گفت: «با خودم صادق هستم، اگر حالم خوب باشد و آماده باشم، بازی می‌کنم، وگرنه کنار می‌کشم، البته بسیار هیجان‌زده هستم، زمان زیادی تا جام جهانی باقی نمانده ولی اگر آماده نباشم، بازی نمی‌کنم.» شنیدن این حرف از زبان فوق‌ستاره‌ای که در آخرین بازی خود چنان درخشیده که چشم‌ها را خیره کرده است، پیام‌های زیادی دارد.

اولین پیام اینکه دنیای حرفه‌ای فوتبال با کسی شوخی ندارد و اگر آماده نباشی، حتی اگر نامت لیونل مسی هم باشد، خیلی راحت کنارت می‌گذارد، پس چه بهتر قبل از آنکه کنارت بگذارند، خودت در اوج خداحافظی کنی، یعنی کاری که مسی بامداد جمعه انجام داد. مسی شاید به جام جهانی هم برسد اما از همین حالا آرژانتین را آماده کرد که باید وارد دوران پسامسی شود. حالا رفتار مسی را مقایسه کنید با رفتار برخی ملی‌پوشان فوتبال ایران که انگار سند تیم ملی را به نام‌شان زده‌اند؛ بازیکنانی که با وجود دوری از فرم و آمادگی لازم همیشه در تیم ملی حاضر هستند و به راحتی جای جوانانی را که می‌توانند مؤثرتر و بهتر باشند، اشغال می‌کنند. بدون تردید هیچ کدام از این بازیکنان حتی در دوران اوج‌شان به گرد پای لیونل مسی هم نمی‌رسیدند و بیهوده نیست اگر عنوان کنیم حتی همین حالا هم فرسنگ‌ها با فوق‌ستاره فوتبال آرژانتین فاصله دارند، ولی خب با اصرار عجیبی همچنان می‌خواهند حضور داشته باشند، حتی اگر این حضور به تیم ملی ضربه بزند، البته در این میان نباید از تقصیر مربیان هم به سادگی گذشت؛ مربیانی که حتی با وجود سر دادن شعار جوان‌گرایی جرئت استفاده از جوانان را ندارند و همچنان به بازیکنان پا به سن گذاشته و بدون تیم و دور از آمادگی فنی و بدنی میدان می‌دهند تا ثمره حضور آنها چیزی جز شکست نباشد.